



The Effects and Consequences of Rights-Based Approach to Peace in Governance: A Study from the perspective of International and Islamic Documents*

Mahdi Firouzi* 

* Assistant professor, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. Email:

m.firouzi@isca.ac.ir



Abstract

One paramount concern facing contemporary humanity, arising from both national and international governance methodologies, is the outbreak of armed conflicts. These conflicts not only infringe upon individuals' right to a peaceful existence but also yield detrimental material and spiritual repercussions. In response to this pressing concern, some intellectuals have embraced a rights-based approach to peace, advocating for its recognition in legal and political discourse as a fundamental human right termed the "right to peace." This right can serve as a cornerstone for all stakeholders, particularly governments, in their domestic and international dealings. Central to this research is the pivotal question regarding the effects and outcomes of adopting a rights-based approach to peace within the realm of governance, as viewed through the lens of international documents and Islamic doctrines. Embracing governance founded on a rights-based approach to peace is anticipated to yield manifold positive consequences. These include the consolidation of sustainable peace, the establishment of security, facilitation of progress and development, safeguarding of human rights, and the protection of basic freedoms.

Keywords

Human rights, right to peace, governance, security, development, freedom, Islam.

* Firouzi, M. (2023). The Effects and Consequences of Rights-Based Approach to Peace in Governance: A Study from the perspective of International and Islamic Documents. *Journal of Political Science*, 26(103), pp. 130-162. <https://doi.org/10.22081/PSQ.2024.67575.2837>

* **Publisher:** Baqir al-Olum University, Qom Iran.

* **Type of article:** Research Article

Received: 2023/05/04 • **Revised:** 2023/06/26 • **Accepted:** 2023/08/06 • **Published online:** 2023/09/24

© The Authors





آثار وعواقب النهج المرتکز على الحقّ نحو السلام في الحوكمة؛

مراجعة من منظور الوثائق الدولية والإسلامية*

مهدي فيروزي^۱

۱. أستاذ مساعد، المعهد العالي للعلوم والثقافة الإسلامية، قم، إيران.

m.firouzi@isca.ac.ir

الملخص

من الاهتمامات الأساسية التي تواجه الإنسان المعاصر والناجمة عن طريقة الحوكمة على الصعيدين الوطني والدولي هو حدوث الصراعات المسلحة التي، مضافاً إلى انتهاك حقّ الإنسان في العيش بسلام، أدت إلى العديد من العواقب المادية والمعنوية الوخيمة والمدمّرة. ومن أجل مواجهة هذا الاهتمام الأساسي، حاول المفكّرون من خلال اعتماد النهج المرتکز على الحقّ نحو السلام أن يدخلوه كـ "حقّ من حقوق الإنسان" وتحت عنوان "الحقّ في السلام" في القاموسين القانوني والسياسي في العالم. ويمكن أن يكون هذا الحقّ أساساً لجميع الأطراف، وخاصة الحكومات، في علاقاتها وحوكمتها على الصعيدين الوطني والدولي. وفي هذا الصدد، فإنّ السؤال الرئيسي للبحث الراهن هو: من منظور الوثائق الدولية والتعاليم الإسلامية ما هي الآثار والعواقب التي ستترتب على اعتماد النهج المرتکز على الحقّ نحو السلام في مجال الحوكمة؟ والنتيجة هي أنّ الحوكمة القائمة على النهج المرتکز على الحقّ نحو السلام لها آثار إيجابية كثيرة، تشمل توطيد السلام المستدام وإحلال الأمن، وتحقيق التقدّم والتنمية، وحقوق الإنسان والحريّات الأساسية.

كلمات مفتاحية

حقوق الإنسان، الحقّ في السلام، الحوكمة، الأمن، التنمية، الحرية، الإسلام.

* فيروزي، مهدي. (۲۰۲۳م). آثار وعواقب النهج المرتکز على الحقّ نحو السلام في الحوكمة؛ مراجعة من منظور الوثائق الدولية والإسلامية. فصلية علمية محكمة علوم سياسي، ۲۶(۱۰۳)، صص ۱۳۰-۱۶۲.



آثار و پیامدهای رویکرد حق محور به صلح در حکمرانی؛

بررسی از منظر اسناد بین‌المللی و اسلامی*

مهدی فیروزی 

استادیار، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، ایران.
m.frouzi@isca.ac.ir



چکیده

یکی از دغدغه‌های اساسی فراوری انسان معاصر که ناشی از شیوه حکمرانی در عرصه ملی و بین‌المللی است، وقوع مخاصمه‌های مسلحانه است که افزون بر نقض حق زندگی مسالمت‌آمیز انسان‌ها، پیامدهای زیان‌بار و ویرانگر مادی و معنوی فراوانی در پی داشته است. با هدف مواجهه با این دغدغه اساسی، اندیشمندان تلاش کرده‌اند با اتخاذ رویکردی حق محور به صلح، آن را به مثابه یک «حق بشری» و با عنوان «حق بر صلح» در ادبیات حقوقی و سیاسی جهان وارد سازند. این حق می‌تواند مبنایی برای همه کنشگران، به‌ویژه دولت‌ها در مناسبات و حکمرانی خود در عرصه ملی و بین‌المللی باشد. در این راستا، پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که، اتخاذ رویکرد حق محور به صلح در حوزه حکمرانی، از منظر اسناد بین‌المللی و آموزه‌های اسلامی، چه آثار و پیامدهایی در پی خواهد داشت؟ نتیجه اینکه حکمرانی مبتنی بر رویکرد حق محور به صلح، آثار مثبت فراوانی به دنبال دارد که تحکیم صلح پایدار و استقرار امنیت، تحقق پیشرفت و توسعه یافتگی و حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بخشی از آن است.

کلیدواژه‌ها

حقوق بشر، حق بر صلح، حکمرانی، امنیت، توسعه، آزادی، اسلام.

* **استاد به این مقاله:** فیروزی، مهدی. (۱۴۰۲). آثار و پیامدهای رویکرد حق محور به صلح در حکمرانی؛ بررسی از منظر اسناد بین‌المللی و اسلامی. علوم سیاسی، ۲۶(۱۰۲)، صص ۱۳۰-۱۶۲.

<https://doi.org/10.22081/PSQ.2024.67575.2837>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام قم، ایران؛ © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۱۴؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۵/۱۵؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲



مقدمه

با هدف فایق آمدن بر آثار و پیامدهای تلخ و تأسف بار جنگ جهانی دوم، دولت‌ها تصمیم گرفتند به منظور پرهیز از اعمال زور یا تهدید به زور در عرصه بین‌الملل، محدودیت‌هایی را بر اقتدار مبتنی بر حاکمیت خویش در نظر گیرند که تصویب منشور ملل متحد و تعیین «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی» به عنوان هدف اصلی منشور و شناسایی اصل بنیادین «منع استفاده از زور»، تحولی اساسی در حوزه حکمرانی و در راستای برقراری صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌رود؛ براین اساس کشورها متعهد شدند در روابط بین‌المللی خود از هرگونه تهدید به زور یا استفاده از آن علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی کشورهای دیگر خودداری کنند. این امر، اصلی اساسی و بنیادین در حوزه حکمرانی بنیان نهاد که «هرگونه اقدام زورمدارانه در مناسبات بین‌المللی» شامل جنگ، تهدید به جنگ، اقدامات مقابله به مثل مسلحانه یا هر شکل دیگر استفاده از تسلیحات و مانند آن ممنوع گردید.

این اقدامات گرچه پیامدهای مثبتی به همراه داشت، برای حل دغدغه‌های فراروی صلح جهانی کفایت لازم را نداشت؛ بر همین اساس رویکرد حق محور به صلح و شناسایی صلح به عنوان حقی بشری با هدف مقابله با تهدیدهای روزافزون صلح و امنیت بین‌المللی در دستور کار قرار گرفت.

شناسایی «حق بر صلح»^۱ به عنوان یکی از مقولات «نسل سوم»^۲ حقوق بشر یا «حقوق همبستگی»^۳، آثار مهمی در عرصه‌های گوناگون حیات بشری به‌ویژه در حوزه حکمرانی خواهد داشت؛ از این رو مقاله حاضر می‌کوشد در یک بررسی تطبیقی از دو منظر اسناد بین‌المللی و آموزه‌های اسلامی، آثار و پیامدهای اتخاذ رویکرد حق محور به صلح در حوزه حکمرانی را تحلیل و بررسی کند.

اهمیت بحث درباره آثار رویکرد حق محور به صلح در عرصه حکمرانی از آن رو

1. Right to Peace.

2. Third Generation.

3. Solidarity Rights.

است که در مناسبات بین‌المللی به خشونت و جنگ و مخاصمه دامن زده می‌شود که این امر جز به خطرافتادن جان و مال انسان‌ها، فقر و گرسنگی، توسعه‌نیافتگی و تخریب محیط زیست، نابودی زیرساخت‌ها، نقض گسترده و فاحش حقوق بشر و بشردوستانه، رشد و رواج افراط‌گرایی و... دستاوردی ندارد؛ اما در پرتو حکمرانی مبتنی بر رویکرد حق‌محور به صلح، حرمت و کرامت و حقوق انسان‌ها حفظ خواهد شد و منابع و ظرفیت‌های مادی و معنوی ملت‌ها به جای آنکه در جنگ‌ها و مخاصمات مسلحانه هزینه شود، صرف رشد و پیشرفت و آبادانی کشورها، پرورش استعدادها و تکامل مادی و معنوی شهروندان خواهد شد.

با هدف پاسخ به پرسش اصلی مقاله، پس از تبیین چارچوب مفهومی و رویکرد حق‌محور به صلح، آثار و پیامدهای حکمرانی مبتنی بر رویکرد حق‌محور به صلح به صورت تطبیقی در سه محور امنیت، توسعه و پیشرفت و آزادی از منظر اسناد بین‌المللی و آموزه‌های اسلامی تحلیل و بررسی خواهد شد.

۱. چارچوب مفهومی

شناخت و تبیین مفاهیم اصلی پژوهش می‌تواند به درک بهتر مباحث مقاله مدد رساند؛ از این رو در ادامه مفاهیم «صلح»، «حق بر صلح» و «حکمرانی» تحلیل و بررسی می‌شوند.

۱-۱. صلح

«صلح»^۱ واژه‌ای با ریشه عربی است که معانی گوناگونی مانند: سازش، آشتی، سلیم، سازش کردن، آشتی کردن، تراضی میان دو متنازع دارد و در مقابل جنگ، توافق و پیمانی است که بر حسب آن دعوایی را حل و فصل کنند (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۹، ص ۱۳۲۴۸؛ معین، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۲۱۶۰).

در عربی نیز به مسالمت و سازش (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۱۴۱)، سلم و دوستی، مصالحه و

1. Peace.

توافق گروهی با یکدیگر (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۱۶)، زدودن نفرت و دشمنی میان مردم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۸۹) و ایجاد رضایت بین دو طرف منازعه (طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۸۷) معنا شده است؛ اما مهم‌ترین معنای آن، ضد فساد است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۱۶؛ طریحی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۸۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۸۹).

حقوق و روابط بین‌الملل، از صلح به «فقدان جنگ» تعبیر شده است؛ اما به نظر نمی‌رسد صلح واقعی زمانی محقق می‌شود که افزون بر فقدان جنگ، «نظام تهدید» نیز وجود نداشته باشد (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶، ص ۴۰۹؛ علی‌بابایی، ۱۳۹۲، ص ۲۶۷)؛ بر همین اساس برخی صلح را به «صلح مثبت»^۱ و «صلح منفی»^۲ یا «صلح ایجابی» و «صلح سلبی» تقسیم کرده‌اند (نک: دویج^۳ و همکاران، ۱۳۷۵، ص ۱۷۷؛ زیما و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۵۳). صلح منفی یا سلبی به وضعیتی گفته می‌شود که در آن «نبود جنگ» حاکم باشد، اما صلح مثبت یا ایجابی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن نبود جنگ همراه با رفع اختلاف میان دولت‌ها با شیوه سازنده است.

در آموزه‌های اسلامی نیز، صلح در دو حوزه امور مدنی و باب جهاد مطرح است. صلح در باب جهاد که موضوع این مقاله است، به وضعیتی اطلاق می‌شود که فارغ از جنگ و درگیری و همراه با آشتی و آرامش باشد که در ادبیات دینی و قرآنی بیشتر با اصطلاح «سلم» و با معانی مختلفی از جمله: مسالمت، صلح، سازش (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۹۵۱؛ ابن فارس، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۹۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۲۳) آمده است. در قرآن کریم اصطلاح «سلم» در روابط خارجی مسلمانان به کار رفته است و به معنای آشتی و صلحی است که در مقابل جنگ باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۲۳؛ ابن فارس ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۹۰) و درحقیقت، «سلم» در تقابل با «حرب» و «جنگ» است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۳۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۱۰، ص ۲۶۵).

1. Positive Peace.
2. Negative Peace.
3. Deutsch.

۲-۱. حق بر صلح

جامع و مانع از «حق بر صلح»^۱ وجود ندارد. در اسناد بین‌المللی از جمله: «اعلامیه حق بر صلح»^۲ مصوب ۱۹۸۴م، تنها به حق برخورداری افراد و ملت‌ها از صلح به‌عنوان یکی از حقوق اساسی بشر اشاره شده است. افزون‌براین، در برخی دیگر از قطعنامه‌های مجمع عمومی،^۳ تصریح شده است که حق بر صلح برای حمایت از همه حقوق بشر، یک نیاز حیاتی است. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این اسناد تعریفی از حق بر صلح وجود ندارد؛ با این حال به نظر می‌رسد تحقق کامل حق بر صلح نیازمند فرایندی چندوجهی شامل «پیشگیری از تعارض»،^۴ «ایجاد صلح»،^۵ «حفظ صلح»^۶ و «تحکیم صلح»^۷ است که می‌تواند زمینه‌ای برای صلح پایدار و در نتیجه تحقق حق بر صلح فراهم سازد (فیروزی، ۱۴۰۰، صص ۷۰-۷۱). با توجه به آنچه بیان شد می‌توان گفت حق بر صلح، حق زندگی همه افراد و ملت‌ها در محیطی بدون جنگ، تهدید و خشونت است که همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی قابل تحقق باشند؛ براین اساس حق بر صلح، مستلزم نبود جنگ و تجاوز و نظام تهدید است. افزون‌براین، لازمه تحقق کامل آن، حذف خشونت ساختاری همچون فقر، جهل، تبعیض، توسعه‌نیافتگی و مانند آن است که در پرتو آن زمینه و بستر مناسب برای تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی فراهم آید.

۳-۱. حکمرانی

لازمه شناخت و فهم مفهوم حکمرانی، تمایز میان «حکمرانی»^۸ و «حکومت»^۹ است

1. Right to Peace.
2. Declaration on the Right of Peoples to Peace.
3. UN General Assembly, Resolution 69/176, 18 December 2014.
4. Conflict Prevention.
5. Peace Making.
6. Peace Keeping.
7. Peace Building.
8. Governance.
9. Government.

و گرچه هر دو اصطلاح به نظامی از قواعد اشاره دارند، مفهوم حکومت گویای فعالیت‌هایی است که تحت حمایت اقتدار رسمی برای تضمین اجرای سیاست‌ها و رعایت قانون هستند؛ در حالی که حکمرانی عبارت است از ظرفیت انجام دادن کارها بدون صلاحیت قانونی برای ایجاب انجام آن؛ به عبارت دیگر می‌توان گفت حکمرانی، نظامی از قواعد است که همواره نیازمند پذیرش اکثریت است؛ در حالی که کارکردهای حکومت می‌تواند با وجود مخالفت گسترده هم عملی شود (حیدری‌فرد، ۱۳۹۶، ص ۱۵۲)؛ بر همین اساس تصور حکمرانی بدون حکومت (یعنی تصور سازوکارهای تنظیمی در حوزه‌ای از فعالیت‌ها که به صورت مؤثر عمل می‌کنند، گرچه از نعمت اقتدار رسمی برخوردار نیستند)، ممکن است (Rosenau & Czempiel, 1992, pp. 3-5)؛ بنابراین مفهوم حکمرانی، تنها ناظر به حکومت و دولت نیست؛ بلکه کل جامعه و نهادهای عمومی و خصوصی و مدنی را در بر می‌گیرد و دولت تنها یکی از نقش‌آفرینان این عرصه است.

۲. رویکرد حق محوره صلح

بدون تردید جنگ و خونریزی با فطرت انسان ناسازگار است و هر انسانی با توجه به فطرت سلیم خویش از جنگ بیزاری می‌جوید (فاضل لنگرانی، ۱۳۹۲، ص ۸)؛ بر همین اساس می‌توان گفت میل به زندگی در صلح، امری فطری و پیش شرط تحقق حق‌های دیگر بشریاز جمله حق حیات است؛ بر همین اساس با تحولات پرشتاب در گفتمان حقوق بشر معاصر طی ده‌های اخیر، قلمرو آن به عرصه‌های جدیدی همچون صلح، توسعه و محیط زیست گسترش یافته که ثمره آن، ظهور نسل جدیدی از حقوق بشر است که «رویکرد حق محوره صلح» و طرح شدن «صلح» به‌عنوان یک «حق بشری» در شمار دیگر حقوق به رسمیت شناخته شده برای بشر، در همین راستا قابل تحلیل و ارزیابی است که در اینجا این رویکرد از دو منظر اسناد بین‌المللی و آموزه‌های اسلامی بررسی می‌گردد.

۱-۲. رویکرد حق محوره صلح در اسناد بین‌المللی

«کمیسون (سابق) حقوق بشر» در سال ۱۹۷۶، در قطعنامه‌ای که با موضوع «ترویج و

تشویق بیشتر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی»^۱، به تصویب رساند، «صلح» را به مثابه «یک حق بشری» شناسایی کرد.^۲ در ماده یکم این قطعنامه آمده است: «همه حق دارند در شرایط صلح و امنیت بین‌المللی زندگی کنند و از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز حقوق مدنی و سیاسی به طور کامل برخوردار شوند». در پی آن، مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۷۸، با تصویب قطعنامه «اعلامیه آماده‌سازی جوامع برای زندگی در صلح»^۳، ضمن شناسایی حق ذاتی افراد و ملت‌ها برای زندگی در صلح، این حق را شرط لازم برای پیشرفت و توسعه بیان کرده است.^۴

این قطعنامه چند ویژگی برای حق بر صلح بیان می‌کند؛ اول اینکه، حق بر صلح دارای ماهیتی دو بُعدی است؛ یعنی از جهتی این حق، جمع‌گرایانه است (حق ملت‌ها) و از جهت دیگر، آن را حقی فردگرایانه (حق افراد) می‌داند؛ دوم آنکه، این حق را «ذاتی» افراد و ملت‌ها می‌داند که نباید در مقابل آن مانعی ایجاد کرد.

افزون‌براین، «اعلامیه حق ملت‌ها بر صلح»^۵ نیز که از سوی مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۲ نوامبر ۱۹۸۴ و در قالب قطعنامه ۳۹/۱۱ تصویب شده است، زندگی بدون جنگ را شرط اصلی برای رفاه مادی، توسعه و پیشرفت کشورها و تحقق کامل حقوق بشر و آزادی‌های اساسی شمرده است.^۶

مجمع عمومی در ۱۸ دسامبر ۲۰۱۴ نیز با تصویب قطعنامه‌ای با عنوان «ترویج و ارتقای صلح به عنوان یک نیاز حیاتی برای برخورداری کامل از همه حقوق بشر توسط همگان»^۷، ضمن شناسایی حق بر صلح و تأکید بر برخورداری همگان از این حق،

1. Further Promotion and Encouragement of Human Rights and Fundamental Freedoms.
2. UN Human Rights Commission, Resolution 5/XXXII, 27 February 1976.
3. Declaration on the Preparation of Societies for Life in Peace, 15 December 1978.
4. UN General Assembly Resolution 33/73, 15 December 1978.
5. Declaration on the Right of Peoples to Peace.
6. UN General Assembly Resolution 39/11, 12 November 1984.
7. Promotion of peace as a vital requirement for the full enjoyment of all human rights by all, 18 December 2014.

تصریح می‌کند که حق بر صلح برای حمایت از همه حقوق بشر، یک نیاز حیاتی و ضروری است.^۱ در یکم ژوئیه ۲۰۱۶ نیز مجمع با تصویب «اعلامیه حق بر صلح»^۲ در قالب قطعنامه ۷۱/۱۸۹، مقرر کرد: «هرکس حق برخورداری از صلح را دارد؛ به گونه‌ای که کلیه حقوق بشر ترویج و حمایت گردد و توسعه به طور کامل محقق شود».^۳ همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، اسناد و قطعنامه‌هایی که حق بر صلح را شناسایی کرده‌اند، فاقد ویژگی الزام‌آوری هستند که این امر، برخوردار نبودن این حق را از ضمانت اجرای لازم و کافی موجب شده است؛ با این حال، درج مکرر این حق در قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های سازمان‌ها و کنفرانس‌های بین‌المللی، می‌تواند راه را برای ورود آن به عرصه حقوق بین‌الملل عرفی هموار کند و زمینه‌های لازم را برای شناسایی آن در قالب یک سند بین‌المللی الزام‌آور فراهم سازد.

۲-۲. رویکرد حق محوره به صلح در آموزه‌های اسلامی

هرچند در منابع اسلامی با عنوان «حق بر صلح» بحثی به میان نیامده است، از ادله دینی به‌ویژه قرآن کریم استفاده می‌شود کسانی که سر جنگ و ستیز با مسلمانان ندارند و خواهان زندگی مسالمت‌آمیز هستند، حق دارند با مسلمانان در یک فضای صلح‌آمیز زندگی کنند و از حق زندگی در صلح برخوردار شوند. در مقابل، دیدگاهی با استناد به وجود آیات جهاد در قرآن کریم بر این اعتقاد است که صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان جایگاهی ندارد و غیرمسلمانان یا باید مسلمان شوند و یا باید با آنان جهاد کرد؛ از این رو نمی‌توان حق زندگی در صلح را برای آنان قائل شد. بیان تفصیلی و نقد و بررسی این دو دیدگاه مجال مستقلی می‌طلبد (در این باره نک: فیروزی، ۱۴۰۰، صص ۶۸-۹۷)؛ با این حال به اختصار به این دو دیدگاه می‌پردازیم.

1. UN General Assembly, Resolution 69/176, 18 December 2014.

2. Declaration on the Right to Peace, 19 December 2016.

3. UN General Assembly, Resolution 71/189, 19 December 2016.

از جمله دلایل دیدگاه اول، آیاتی از قرآن کریم همچون آیه ۷ سوره ممتحنه^۱ است که نیکی کردن و عدالت ورزیدن به غیرمسلمانان را توصیه می‌کنند که مصداق بارز رعایت عدالت در برابر غیرمسلمانان، شناسایی حق آنان برای زندگی در محیطی فارغ از جنگ و درگیری و همراه با صلح و آرامش است؛ به عبارت دیگر مقتضای عدالت، جایز نبودن جنگ و به رسمیت شناختن حق آنان برای زندگی مسالمت‌آمیز است؛ از این رو جنگ با کافرانی که سرستیزه‌جویی ندارند و مایل‌اند با مسلمانان زندگی مسالمت‌آمیز داشته باشند از مصادیق اعتدال است (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۵۷۷).

البته برخی معتقدند این گونه آیات با آیات دیگری که بر جهاد با کافران دلالت دارد، از جمله آیه ۵ سوره توبه^۲ نسخ شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۴۰۸). در پاسخ باید گفت نسخ جایی است که آیات کاملاً با هم تعارض داشته باشند و به هیچ وجه قابل جمع نباشند، اما اگر قابل جمع باشند، نسخ جایگاهی ندارد؛ زیرا آیه مورد بحث درباره کسانی است که سر جنگ با مسلمانان ندارند، لذا شامل کسانی که سر جنگ و ستیز با مسلمانان دارند نمی‌شود؛ در حالی که آیه سوره توبه تنها به کافران حربی و مشرکانی که پیمان‌شکنی کرده‌اند، نظر دارد؛ نه همه کافران (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۹، ص ۲۳۴؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۲۴، ص ۳۲)؛ از این رو تراحمی میان این دو آیه نیست.

از دیگر آیات استنادی دیدگاه اول، آیه ۱۹۰ سوره بقره^۳ است که از آن جواز تشریح قتال با ستیزکنندگان با مسلمانان و نهی از هر عملی که مصداق تجاوز و اعتدال به غیر آنان باشد، استفاده می‌شود.

برخی معتقدند آیه مورد بحث نیز با برخی آیات دیگر از جمله آیه ۵ سوره توبه نسخ شده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، صص ۵۰۹-۵۱۰). در پاسخ باید گفت این آیه با آیه سوره توبه از قبیل تعمیم حکم بعد از تخصیص است؛ زیرا حکم قتال در آیه اول درباره کسانی

۱. «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوا فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ».

۲. «فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُواهُمْ وَاحْضَرُواهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ...».

۳. «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» (بقره، ۱۹۰).

است که سر جنگ دارند، اما در آیه سوره توبه، حکم عامی بیان شده است. افزون‌براین، سیاق بیانگر آن است که این آیات با هم نازل شده و احتمال نسخ درباره دو آیه‌ای که با هم نازل شده‌اند، روا نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۹، ص ۶۰۳؛ طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۰؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۱).

افزون‌براین، از برخی آیات همچون آیه ۶۱ سوره انفال^۱ نیز به خوبی استفاده می‌شود که ملاک جنگ و جهاد با کافران و مشرکان، «کفر و شرک» آنان نیست؛ زیرا در این صورت، صلح با آنان جایز نخواهد بود؛ بلکه ملاک عمل با کفار، چگونگی رفتار آنان با مسلمانان است؛ همچنین آیات دیگری از جمله آیه ۹۰ سوره نساء^۲ نیز که بر ممنوعیت تعرض به کسانی که از جنگ و ستیز با مسلمانان باز ایستاده و کناره‌گیری کرده‌اند، دلالت دارد، عدم جواز و عدم مشروعیت تعدی و تعرض به کسانی که سر جنگ و ستیز با مسلمانان ندارند، قابل استفاده است؛ بنابراین، آنان حق دارند با مسلمانان در فضای صلح آمیز زندگی کنند.

دیدگاه دوم با استناد به آیات مربوط به تشریح جهاد در قرآن کریم، شناسایی حق زندگی در صلح برای غیرمسلمانان را در تعارض با این آیات می‌داند و این آیات را شاهدی بر عدم امکان برقراری رابطه مسالمت‌آمیز با کافران می‌گیرد. از جمله آیات ۱۹۱ و ۱۹۳ سوره بقره^۳ است که دستور قتال و جهاد با «عموم کفار و مشرکان» از آن برداشت شده است.

درحالی که به نظر می‌رسد این آیات دلالتی بر جهاد با «عموم کفار و مشرکان» ندارد؛ زیرا قبل از این دو آیه، آیه ۱۹۰ است که حکم جنگ با کافران و مشرکانی را صادر می‌کند که سر جنگ و ستیز با مسلمانان دارند؛ بنابراین این آیات باید با هم جمع شوند؛ یعنی هر دو با هم معنای سومی را افاده کنند. این هم‌سویی در اینجا جز این نیست

۱. «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (انفال، ۶۱).

۲. «فَإِنْ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ لَمْ يَأْتَلُوا وَمَا يَخْتَوُونَ إِلَّا لِيُكَلِّمَهُمُ اللَّهُ لَعَلَّكُمْ عَلَىٰ سَبِيلٍ» (نساء، ۹۰).

۳. «وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقْتُلُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالَّذِينَ أَشْدُّ مِنْ الْقَتْلِ... وَفَاتِلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ...» (بقره، ۱۹۱ و ۱۹۳).

که مطلق بر مفید حمل شود، هر چند مثبتین باشند که در این صورت، این آیات نیز مطلق کفار و مشرکان را مد نظر ندارد، بلکه فقط نحوه رفتار با «کسانی که سر جنگ دارند» و یا به تعبیری «کفار متخاصم، جنگ طلب و فتنه گر» را بیان می کند (نک: فیروزی، ۱۴۰۰، ص ۸۳).

افزون بر این، فتنه در این آیات، مطلق شرک و مشرک را شامل نمی شود؛ بلکه «کفار و مشرکان فتنه گر» را در بر می گیرد. مؤید این برداشت آیاتی همچون آیه ۲۱۷ همین سوره است؛^۱ بر همین اساس برخی از مفسران، فتنه را به «کفر و شرک همراه با آزار و اذیت مسلمانان و ایجاد مزاحمت در راه نشر دین خدا» تفسیر کرده اند، نه مطلق کفر و شرک (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۲). دلیل بر این امر آن است که در آیه ۲۱۷، «صَدَّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ»، اخراج مردم مکه از شهر و مسجد الحرام، تلاش برای منصرف ساختن از عقیده و ایمان و نیز ارتداد آنان، «فتنه» شمرده شده است (ورعی، ۱۳۹۰، صص ۱۹-۲۰).

بر همین اساس می توان گفت هدف جنگ ها، دفع موانع تبلیغ یا رفع سلطه کفار بر مؤمنان، یا دفع هجوم مشرکان یا رفع آزار و اذیت آنان و مانند آن بوده است.

از آنچه گفته شد استفاده می شود که صرف کفر و شرک، علت برای وجوب قتال نیست (نک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۲۸۳)؛ بر همین اساس برخی از مفسران نیز به رغم آنکه فتنه را به قرینه تقابل آن با دین به کفر و شرک معنا کرده اند، اما تصریح کرده اند که منظور از فتنه «شرک و کفر ترند ساز» است، لذا باید با فتنه و شرک آشوب گر مبارزه کرد، نه با شخص مشرک (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۹، صص ۶۲۴-۶۲۵).

از دیگر ادله دیدگاه دوم، آیه ۵ سوره توبه^۲ است که از آن بر وجوب جهاد با عموم کافران و مشرکان و لزوم قتل آنان و ممنوعیت داشتن هرگونه رابطه صلح آمیز با آنان استناد شده است تا اسلام بیاورند و نماز اقامه کنند و زکات پردازند.

در نقد این برداشت باید گفت موضوع آیات ابتدایی سوره توبه، عموم مشرکان

۱. «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْمُتَيْتَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره، ۲۱۷).

۲. «فَاُقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْضُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَوْصِدٍ...» (توبه، ۵).

نیست؛ بلکه «مشرکان معاهد، ولی پیمان شکن» است؛ زیرا «مشرکان معاهد ولی وفادار به پیمان» در آیه چهارم همین سوره استثناء شده‌اند. افزون‌براین، «ال» در «المشركين» در آیه سوم، «ال عهد ذکری» است و به مشرکان پیمان شکن اشاره دارد، نه عموم مشرکان؛ از این رو «ال» برای عموم یا جنس نیست (نک: معرفت، ۱۴۲۹ق، ج ۶، ص ۲۸۲)؛ بر همین اساس برخی از صاحب نظران (خامنه‌ای، ۱۳۸۵، ص ۲۶) تصریح کرده‌اند که آیات اول سوره براءت، در بردارنده حکمی خاص درباره گروهی خاص از مشرکان است، نه اینکه حکمی عام و شامل همه گروه‌های کافر در همه زمان‌ها باشد.

۳. تحقق امنیت دستاورد رویکرد حق محور به صلح در حکمرانی

یکی از مهم‌ترین آثار حکمرانی مبتنی بر رویکرد حق محور به صلح، برقراری امنیت است. امنیت عبارت است از اطمینان خاطری که بر اساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند (هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۵). به نظر می‌رسد این تعریف، به یک بعد از امنیت که امنیت فردی است، اشاره دارد؛ در حالی که امنیت مفهومی چند بعدی و بین رشته‌ای و پیچیده و دارای ابعاد فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی است (نک: آشوری، ۱۳۷۶، ص ۳۸). بی‌تردید یکی از فلسفه‌های اصلی تشکیل حکومت‌ها و دولت‌ها و از اهداف و وظایف اصلی آنان، برقراری امنیت است. آن گونه که از اسناد بین‌المللی و آموزه‌های اسلامی استفاده می‌شود رویکرد حق محور به صلح می‌تواند به تحقق امنیت در تمامی حوزه‌های فردی و اجتماعی و نیز در عرصه ملی و بین‌المللی بینجامد که در ادامه بررسی و تحلیل می‌گردد.

۳-۱. تحقق امنیت از منظر اسناد بین‌المللی

یکی از وجوه مشترک منفعت جمعی در جهان کنونی، وجود «صلح و امنیت بین‌المللی» است. به نظر می‌رسد «صلح» شرط ضروری و تنها شانس زیست جامعه بین‌المللی در مقابل انبوه خطرهایی است که آن را تهدید می‌کند؛ از این رو

می توان گفت که ضرورت و لزوم صلح، ضرورتی عینی، فوری و دائم است (نک: بیگ زاده، ۱۳۷۵، ص ۴۸).

در اسناد بین المللی به ویژه اسناد حقوق بشری، قوانین و مقرراتی در سطوح مختلف جهانی و منطقه ای تدوین شده و بر دسترسی به امنیت از طریق تحقق حق بر صلح تأکید شده است. مقدمه اعلامیه جهانی حقوق بشر، یکی از عوامل کمال مطلوب انسان را امنیت و رهایی از ترس بیان می کند و دستیابی به آن را از طریق بهره مندی از حقوق به رسمیت شناخته شده برای بشر میسر می داند؛ همچنین در مقدمه میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، کمال مطلوب انسان در پرتو امنیت و رهایی از ترس امکان پذیر دانسته شده که این امر تنها در صورتی حاصل می شود که شرایط بهره مندی هر کس از حقوق مدنی و سیاسی و همچنین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم گردد.

نمی توان انکار کرد که دسترسی به شرایطی که امنیت در آن برقرار باشد، جز از طریق تحقق صلح و شناسایی آن به عنوان یک حق بشری امکان پذیر نیست؛ بر همین اساس در قطعنامه ای که سال ۱۹۷۶م. با عنوان «ترویج و تشویق بیشتر حقوق بشر و آزادی های اساسی»^۱ به تصویب «کمیسیون (سابق) حقوق بشر» رسید، ضمن شناسایی صلح به مثابه یک حق بشری مقرر شده است: «همه حق دارند در شرایط صلح و امنیت بین المللی زندگی کنند و از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز حقوق مدنی و سیاسی به طور کامل برخوردار شوند».^۲

یکی از عناصر مهم تحقق امنیت، «خلع سلاح» است که از چالش های اصلی حوزه حکمرانی در عصر حاضر نیز به شمار می آید. امروزه تسلیحات کشتار جمعی و نیز رقابت تسلیحاتی بین قدرت های بزرگ، صلح پایدار را به مخاطره انداخته و ضریب امنیت در سطح جهان را کاهش داده است؛ بر همین اساس در اسناد حقوق بشری از جمله

1. Further Promotion and Encouragement of Human Rights and Fundamental Freedoms.

2. UN Human Rights Commission, Resolution 5/XXXII, 27 February 1976.

«اعلامیه کنفرانس بین‌المللی حقوق بشر تهران» مصوب ۱۹۶۸ م. که به «اعلامیه تهران» نیز معروف است، با اذعان به اینکه صلح جهانی آرمان بشر است و صلح و عدالت لازمه حتمی تحقق کامل حقوق و آزادی‌های اساسی انسان است، در ماده ۱۹ مقرر می‌دارد: «خلع سلاح می‌تواند منابع انسانی و مادی عظیمی را که در حال حاضر به مقاصد نظامی اختصاص داده شده آزاد کند. این منابع باید در راه توسعه حقوق و آزادی‌های اساسی بشر صرف شود...».

در مقدمه «اعلامیه حق بر توسعه»^۱ نیز بر تحقق صلح و امنیت جهانی به وسیله خلع سلاح تأکید شده است^۲ که به نظر می‌رسد این مهم جز از طریق اصلاح شیوه حکمرانی امکان‌پذیر نباشد؛ بر همین اساس در ماده ۷ این اعلامیه مقرر شده است کلیه دولت‌ها باید ایجاد، حفظ و تقویت صلح و امنیت جهانی را ترویج کنند و تمام تلاش خود را در دستیابی به خلع سلاح عمومی و کامل، زیر نظر مؤثر بین‌المللی انجام دهند.

۲-۳. تحقق امنیت از منظر آموزه‌های اسلامی

یکی از فلسفه‌ها و شاخصه‌های اصلی حکمرانی از منظر اسلام، ایجاد و برقراری نظم و امنیت برای فرد و جامعه است. در حقیقت فلسفه وجود حاکم و حکمرانی در جامعه اسلامی، حفظ نظم و امنیت اجتماع به عنوان عاملی اساسی برای جلوگیری از هرج و مرج در زندگی مردم است. امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نهج البلاغه می‌فرماید: «جایگاه زمامدار در این کار، جایگاه رشته‌ای است که مهره‌ها را به هم فراهم آورد و برخی را ضمیمه برخی دیگر دارد. اگر رشته ببرد، مهره‌ها پراکنده شود و از میان رود و دیگر به تمامی فراهم نیاید».^۳

بر همین اساس، امام علی علیه السلام تأکید می‌کند: «مردم را حاکمی باید نیکوکار یا

1. Declaration on the Right to Development.

2. UN General Assembly Resolution 41/128, 4 December 1986.

3. وَ مَكَانُ الْقَيْمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النَّظَامِ مِنَ الْخَزَرِ يَجْمَعُهُ وَ يَضُمُّهُ فَإِنْ انْقَطَعَ النَّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَزَرُ وَ دَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحَدِّافِيرِهِ أَبَدًا (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶).

تبه کار... تا در سایه حکومت او مال دیوانی فراهم آورند و با دشمنان پیکار کنند و راه‌ها را ایمن سازند و به نیروی او، حق ناتوان را از توانا بستانند تا نیکو کردار، روز به آسودگی به شب رساند و از گزند تبه کار در امان باشد.^۱

از این رو می‌توان گفت تحقق امنیت یکی از شاخصه‌های اصلی حکمرانی آرمانی و نیز جامعه مطلوب اسلامی است؛ به همین دلیل قرآن کریم امنیت را در کنار خلافت و حکومت جهانی صالحان و نشر آیین حق، یکی از نتایج رشد و کمال بشر می‌داند که در اثر ایمان و عمل صالح پدید می‌آید.^۲

از آنچه گفته شد استفاده می‌شود امنیت در سایه صلح و شناسایی حق زندگی افراد در صلح پدید می‌آید و امنیت زمانی تحقق می‌یابد که حکمران جامعه، فضایی صلح‌آمیز و به دور از جنگ و درگیری به وجود آورد؛ زیرا جنگ افزون بر اینکه امنیت جانی و مالی انسان‌ها را دچار مخاطره می‌سازد، امنیت و آسایش روانی آنان را نیز به خطر می‌اندازد و بر گرفتاری‌ها و غصه‌ها می‌افزاید؛ بر همین اساس امیر مؤمنان علی علیه السلام در نامه ماندگار خویش به مالک اشتر، با بیان اهمیت جایگاه صلح در عرصه حکمرانی، تحقق امنیت و آسایش در تمام ابعاد مالی و جانی و روانی را در شرایط مسالمت‌آمیز امکان‌پذیر می‌داند و بر لزوم رویکرد صلح‌محور در حکمرانی تأکید می‌کند و می‌فرماید: «از صلحی که دشمن تو را بدان خواند، و رضای خدا در آن بود، روی متاب که آشتی، سربازان تو را آسایش رساند و از اندوه‌هایت برهاند و شهرهایت ایمن ماند».^۳

۱. وَ إِنَّهُ لَا يَكْفُرُ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ... يُجْمَعُ بِهِ الْفِيءُ وَ يُقَاتَلُ بِهِ الْعَدُوُّ وَ تَأْمَنُ بِهِ السَّبِيلُ وَ يُؤْخَذُ بِهِ لِلضَّعِيفِ مِنَ الْقَوِيِّ حَتَّى يَسْتَرِيحَ بَرٌّ وَ يُسْتَرَاخَ مِنْ فَاجِرٍ (نهج البلاغه، خطبه ۴۰).

۲. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...» (نور، ۵۵)؛ همچنین در آیه دیگری نتیجه ایمان و رعایت عدالت و ظلم نکردن را بهره‌مندی از امنیت و هدایت معرفی کرده، می‌فرماید: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام، ۸۲).

۳. «وَلَا تَدْفَعَنَّ ضُلْحًا دَعَاكَ إِلَيْهِ عَدُوُّكَ وَ لَوْ فِيهِ رِضَى، فَإِنَّ فِي الصُّلْحِ دَعَاً لِحُبُودِكَ وَ رَاحَةً مِنْ هُمُومِكَ وَ أَمْنَا لِبِلَادِكَ» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).

۴. توسعه و پیشرفت در پرتو رویکرد حق محور به صلح در حکمرانی

توسعه به فرایندی اطلاق می‌شود که زمینه شکوفایی استعداد و پیشرفت همه‌جانبه زندگی انسان را در عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی فراهم آورد تا انسان در سایه این پیشرفت بتواند به زندگی شرافتمندانه خود در مسیر رشد و کمال مادی و معنوی پردازد (نک: فیروزی، ۱۳۹۶، ص ۷۰).

توسعه و پیشرفت در فضایی مسالمت‌آمیز و به دور از جنگ و درگیری شکل می‌گیرد؛ چون اصولاً مخاصمه‌ها نابودکننده هرگونه توسعه و پیشرفت است. نقش رویکرد حق محور به صلح در عرصه حکمرانی از آن جهت اهمیت دارد که سرمایه‌ها و منابعی که می‌تواند صرف جنگ‌ها و منازعه‌ها شود، در راه پیشرفت و توسعه و رفاه کشورها هزینه خواهد شد.

اگر نگاهی به وضعیت کشورهای جهان سوم که طی دهه‌های اخیر درگیر جنگ‌ها و مخاصمه‌های مسلحانه بوده‌اند بیندازیم، این واقعیت آشکار خواهد شد که هزینه‌های فراوان انسانی و اقتصادی که این کشورها برای مخاصمه‌های مسلحانه پرداخته‌اند، به عقب‌ماندگی هرچه بیشتر و در نتیجه عدم توسعه و پیشرفت آنها انجامیده است و به نظر می‌رسد بدون اصلاح شیوه حکمرانی، چشم‌انداز مناسبی از توسعه در این گونه کشورها دست کم برای کوتاه‌مدت قابل تصور نباشد. بررسی این موضوع محور اصلی مباحث این قسمت را تشکیل می‌دهد.

۴-۱. تحقق توسعه و پیشرفت از منظر اسناد بین‌المللی

تحقق توسعه و پیشرفت، مستلزم وجود شرایط صلح‌آمیز در عرصه داخلی و فضای بین‌المللی است. جنگ‌ها و مخاصمه‌های مسلحانه، همیشه با کشتار و تخریب و نابودی همراه بوده‌اند؛ بر همین اساس در مقدمه منشور ملل متحد، با اشاره به مشکلات و بلاهای جنگ‌های جهانی که افراد بشر را دچار مصائب جبران‌ناپذیر کرده است، بر ایجاد شرایط لازم برای کمک به ترقی اجتماعی و شرایط زندگی بهتر، برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی تمام ملت‌ها از طریق تشریک مساعی همگانی تأکید شده است که

به نظر می‌رسد این امر با اتخاذ رویکرد حق‌محور به صلح در حکمرانی امکان‌پذیر است. «اعلامیه آمادگی جوامع برای زندگی در صلح»^۱ در ماده ۱، احترام به حق ذاتی زندگی در صلح و همچنین دیگر حقوق بشر را به نفع همه بشریت و شرط ضروری پیشرفت و تعالی همه ملت‌ها، از بزرگ و کوچک، در همه ابعاد زندگی بشر بیان کرده است.^۲

اهمیت و جایگاه حق بر صلح در تحقق توسعه و پیشرفت از آن جهت است که متأسفانه با پیشرفت علم و فن‌آوری و دستیابی بشر به سلاح‌های کشتار جمعی و با قدرت تخریب فراوان، پیامدهای ویرانگر و نابودکننده استفاده از این سلاح‌ها، بر توسعه و تمدن بشری بیش از پیش نمایان گردیده است و به جای اینکه بشر از علم و فن‌آوری برای توسعه و پیشرفت خود و جامعه بشری استفاده کند، در جهت عکس آن عمل می‌کند که در نتیجه به نابودی توسعه و پیشرفت منجر می‌شود؛ بر همین اساس مجمع عمومی سازمان ملل در تاریخ ۱۰ نوامبر ۱۹۷۵ و در قالب قطعنامه ۳۳۸۴، با تصویب «اعلامیه مربوط به استفاده از پیشرفت در زمینه علم و فن‌آوری به نفع صلح و برای مصلحت نوع بشر»^۳، با بیان اینکه پیشرفت‌ها در زمینه علمی و فن‌آوری یکی از مهم‌ترین عوامل در توسعه جامعه بشری است، بر این امر تأکید کرد که پیشرفت‌ها در زمینه علم و فن‌آوری، در عین حال که فرصت‌های پیوسته بیشتری برای بهتر کردن شرایط زندگی مردمان و ملت‌ها را فراهم می‌سازند، می‌توانند در مواردی به مشکلات اجتماعی نیز بینجامند و همچنین حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین افراد را به خطر اندازند.^۴

این اعلامیه با نگرانی از این امر که از دستاوردها در پهنه علم و فن‌آوری می‌توان برای تشدید مسابقه تسلیحاتی، سرکوبی جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و محروم کردن

1. Declaration on the Preparation of Societies for Life in Peace.

2. UN General Assembly Resolution 33/73, 15 December 1978

3. Declaration on the Use of Scientific and Technological Progress in the Interests of Peace and for the Benefit of Mankind, 10 November 1975.

4. UN General Assembly Resolution 3384 (XXX), 10 November 1975.

افراد و مردمان از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین آنان استفاده کرد، در ماده یکم اعلام می‌دارد که همه کشورها برای تضمین این امر که از نتایج پیشرفت‌ها در زمینه علم و فن آوری به نفع تقویت صلح و امنیت بین‌المللی، آزادی و استقلال است و همچنین به منظور رشد و توسعه اجتماعی و اقتصادی مردمان و تحقق حقوق و آزادی‌های بشر مطابق با منشور ملل متحد، باید همکاری بین‌المللی را ترویج و از آن حمایت کنند.

در مقدمه «اعلامیه حق بر توسعه»^۱ نیز با بیان اینکه صلح و امنیت بین‌المللی عناصر ضروری برای تحقق حق بر توسعه هستند، بر خلع سلاح و صرف عواید ناشی از آن در توسعه و پیشرفت کشورها تأکید و مقرر شده است که میان خلع سلاح و توسعه، رابطه تنگاتنگی وجود دارد و پیشرفت در زمینه خلع سلاح تا حد قابل ملاحظه‌ای به پیشرفت در زمینه توسعه کمک خواهد کرد و منابع آزاد شده در اثر اقدامات خلع سلاح باید به توسعه اقتصادی و اجتماعی و رفاه همه ملت‌ها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه اختصاص یابد.

نمی‌توان تردید کرد لازمه خلع سلاح و پذیرش آن از سوی قدرت‌ها، تجدید نظر در شیوه با اتخاذ رویکرد حق‌محور به صلح در حکمرانی و شناسایی حق زندگی در صلح برای همه انبای بشر است؛ بر همین اساس در ماده ۷ این اعلامیه مقرر شده است: دولت‌ها همه تلاش خود را برای تحقق خلع سلاح عمومی و کامل، تحت نظارت مؤثر بین‌المللی و برای تضمین استفاده منابع آزاد شده ناشی از اقدامات مؤثر خلع سلاح برای توسعه همه‌جانبه، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه انجام دهند (Bantekas, 2002, pp. 326-329).

۲-۴. تحقق توسعه و پیشرفت از منظر آموزه‌های اسلامی

بنابر آموزه‌های اسلامی حق انسان‌ها در برخورداری و بهره‌برداری از مواهب و

1. Declaration on the Right to Development, 4 December 1986.

امکانات خدادادی جهت توسعه و پیشرفت به رسمیت شناخته شده است. آیات قرآن کریم بر این مسئله دلالت دارد که خداوند همه امکانات مورد نیاز بشر را آفرید و آنها را مسخر بشر کرد و مسخربودنشان را نیز به جامعه بشری اعلام داشت تا کسی نگوید این مواهب و امکانات در دسترس بشر قرار ندارد (نک: جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۴)؛ بنابراین برخورداری از مواهب و نعمت‌های خدادادی، حق هر انسانی است و هرگونه کار و تلاشی انسان برای توسعه و پیشرفت در زندگی خود از طریق مشروع و قانونی، مورد تأیید و تشویق اسلام است؛ از همین رو در سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام کار و تلاش انسان برای افراد تحت تکفل خود در حکم جهاد در راه خدا^۱ و حتی پاداش آن، بالاتر از پاداش مجاهدان در راه خدا شمرده شده است.^۲ افزون بر اینکه فقیهان مسلمان، توسعه و گشایش در زندگی خانواده را از مصادیق کسب و تجارت مستحب دانسته‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۵۶؛ ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۳۰).

از سوی دیگر، زمینه‌سازی برای توسعه و پیشرفت در تمام ابعاد آن از وظایف مهم حکومت اسلامی است که اولین و مهم‌ترین گام، فراهم آوردن فضایی صلح‌آمیز برای جامعه اسلامی و شهروندان با هدف بهره‌مندی آنان از مواهب توسعه و پیشرفت است؛ بر همین اساس امام امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام در فرمان خود به مالک اشتر، یکی از کارویژه‌های حکمرانی را توسعه، عمران و آبادانی جامعه می‌داند^۳ که این امر در سایه اتخاذ شیوه مناسب حکمرانی در پرتو صلح و آرامش امکان‌پذیر است؛ زیرا همان‌گون که اشاره شد توسعه و آبادانی، نیازمند فضایی صلح‌آمیز است و جنگ و مخاصمه، مانع اصلی توسعه و آبادانی و نابودکننده آن است.

۱. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْكَاذِبُ عَلَى عِيَالِهِ كَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۸ ح ۱).

۲. «عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عليه السلام قَالَ: الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مَا يَكْفِي بِهِ عِيَالَهُ أَكْبَرُ أَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۸ ح ۲).

۳. در مقدمه فرمان امیر مؤمنان علیه‌السلام به مالک اشتر، چهار هدف: انتظام امور اقتصادی جامعه (جَبَائِيَةُ حَوَاجَتِهَا)، برقراری امنیت (جِهَادٌ عَدُوَّهَا)، توجه به رشد، اصلاح و تربیت افراد جامعه (اِشْتِصْلَاحُ أَهْلِهَا) و نیز عمران و آبادانی (عِمَارَةٌ بِلَادِهَا)، جزو اهداف حکمرانی حاکم اسلامی بیان شده است (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

۵. آزادی به مثابه دستاورد رویکرد حق محور به صلح در حکمرانی

یکی از آثار حکمرانی مبتنی بر رویکرد حق محور به صلح، تحقق آزادی است. «آزادی»^۱ در لغت به معنای حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیت و عبودیت و اسارت و اجبار و نیز به معنای قدرت عمل و ترک عمل و قدرت انتخاب بیان شده است (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱، ص ۷۷). از جمله معانی اصطلاحی ذکر شده برای آزادی، عبارت است از داشتن حق انجام دادن هر عملی تا حدی که به حق دیگران تجاوز نشود (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۸۶، ص ۲۵۴)؛ به بیان دیگر آزادی، توانایی انجام دادن هر عملی است که به حقوق دیگران لطمه وارد نکند.

البته نباید برداشت سطحی از آزادی داشت و آن را با هرج و مرج و بی‌بند و باری یکی دانست؛ بلکه آزادی حقیقی، در تبعیت از یک نظم عقلانی، منطقی و قانونی است و یک عمل مسئولانه تلقی می‌گردد؛ از این رو در آزادی دو شاخصه بنیادین وجود دارد: اول اینکه انسان در معرض تعدی، تجاوز و مزاحمت دیگران نباشد و دوم اینکه بتواند هر چه را بخواهد انجام دهد؛ به شرط آنکه زبانی به حقوق دیگران وارد نیابد (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۴، صص ۳-۴)؛ بر همین اساس اندیشمندان معتقدند که آزادی عبارت از حق انسان به انجام دادن هر کاری که قانون اجازه دهد و آنچه قانون منع کرده و صلاح او نیست، بدان مجبور نگردد؛ در این صورت اگر مرتکب اعمالی شود که قانون منع کرده، دیگر آزادی وجود نخواهد داشت (متسکیو، ۱۳۴۹، ص ۲۹۴). در اینجا آزادی به مثابه دستاورد رویکرد حق محور به صلح در حکمرانی بررسی می‌گردد.

۵-۱. تحقق آزادی از منظر اسناد بین‌المللی

آن گونه که از اسناد بین‌المللی به ویژه اعلامیه جهانی حقوق بشر بر می‌آید، آزادی پس از حق حیات، مهم‌ترین حق بشری است. در ماده ۳ این اعلامیه آمده است: «هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد». حق آزادی مبنای حمایت از افراد

1. Freedom /Liberty.

در برابر بازداشت و سلب خودسرانه آزادی و مبنای قانونی کردن دستگیری و بازداشت افراد است؛ بر همین اساس ماده ۹ این اعلامیه تأکید می‌کند: «احدی را نمی‌توان خودسرانه توقیف، حبس یا تبعید کرد».

بند ۱ ماده ۹ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز در بیانی جامع‌تر مقرر می‌دارد: «هرکس حق آزادی و امنیت شخصی دارد. هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه (بدون مجوز) دستگیر یا بازداشت (زندانی) کرد. از هیچ‌کس نمی‌توان سلب آزادی کرد؛ مگر به جهاتی و طبق آیین دادرسی مقرر به حکم قانون».

بنابر آنچه گفته شد همه افراد باید از حق آزادی برخوردار باشند. البته این حق مطلق نیست و به حکم قانون و بر اساس ضرورت می‌توان این حق را محدود کرد؛ زیرا حد آزادی، عدالت است. آزادی نامحدود، نوعی ظلم و بی‌عدالتی است؛ یعنی تجاوز به حقوق دیگران است. آزادی معقول، در رعایت عدالت و حقوق دیگران است (طباطبایی مؤتمنی، ۱۳۹۴، ص ۳). ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، محدودیت‌های آزادی مذهب و بند ۳ ماده ۱۹ همین میثاق، محدودیت‌های آزادی بیان را ذکر کرده است.^۱

افزون‌براین، اسناد و موازین بین‌المللی حقوق بشری، به چگونگی حکمرانی با هدف تحقق آزادی اشاره دارد و قواعد و مقررات متعددی را با هدف الزام دولت‌ها، افراد و گروه‌های اجتماعی به تأمین، گسترش، تضمین و رعایت آزادی‌های شناخته‌شده برای بشر بیان کرده‌اند. گرچه غالب اسناد حقوق بشری که آزادی را به‌عنوان یکی از حق‌های بشری به رسمیت شناخته‌اند، تعریفی از آزادی بیان نکرده و آن را بدیهی انگاشته‌اند؛^۲ «اعلامیه حقوق بشر و شهروند فرانسه»^۳ در ماده ۴، در مقام بیان مفهوم آزادی مقرر کرده

۱. در ماده ۱۸، «حمایت از امنیت، نظم، سلامت یا اخلاق عمومی یا حقوق و آزادی‌های اساسی دیگران» و در ماده ۱۹، «احترام حقوق یا حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی یا نظم عمومی یا سلامت یا اخلاق عمومی» از محدودیت‌های آزادی بیان ذکر شده است.

۲. برای نمونه اعلامیه جهانی حقوق بشر در ماده ۱ خود، بدون اشاره به تعریف آزادی و با اشاره به این اصل بنیادین مقرر می‌دارد: «همه افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند» و سپس در مواد بعدی به بیان برخی مصادیق آزادی‌های فردی می‌پردازد.

3. Declaration of the Rights of Man and of the Citizen, 26 August 1789.

است که «آزادی عبارت است از توانایی انجام‌دادن هر گونه عملی که به دیگری صدمه وارد نیاورد...».

آنچه در این میان اهمیت دارد آن است که غالب اسناد بین‌المللی که حق بر صلح را شناسایی کرده‌اند، بر این نکته تأکید دارند که حق بر صلح، تحقق آزادی‌های اساسی را به ارمغان می‌آورد. «اعلامیه حق بر صلح»^۱ بر دسترسی به آزادی به‌عنوان یکی از اهداف حق بر صلح تأکید کرده است.^۲ در مقدمه این اعلامیه به پیوند تنگاتنگ میان صلح و آزادی و چگونگی حکمرانی اشاره شده و این مسئله تأیید شده است که توسعه کامل فرهنگ صلح با تحقق حق تعیین سرنوشت همه ملت‌ها، از جمله کسانی که تحت سلطه استعمار یا دیگر اشکال سلطه بیگانگان یا اشغال خارجی زندگی می‌کنند، ارتباط مستقیمی دارد. در این مقدمه، ضمن تأکید بر پذیرش و ترویج «فرهنگ صلح و رواداری»، بر ضرورت تلاش‌های بین‌المللی برای تقویت گفتگوی جهانی برای ترویج فرهنگ تحمل و صلح و آموزش آن بر مبنای احترام به حقوق بشر و تنوع ادیان و عقاید، با هدف دسترسی به عدالت، آزادی و صلح تأکید می‌کند.

۵-۲. تحقق آزادی از منظر آموزه‌های اسلامی

بر مبنای آموزه‌های اسلامی آزادی حقی فطری و خدادادی است و هر انسانی برخوردار از آن است تا با استفاده از آن بتواند استعدادها و ظرفیت‌های خدادادی اش را شکوفا سازد؛ زیرا آزادی نوعی استقلال و خودسامانی در زمینه‌های مختلف برای انسان ایجاد می‌کند که این امر می‌تواند در شکوفایی استعداد انسان و رشد شخصیت، تکامل و تعالی او نقش اساسی داشته باشد.

از منظر اسلامی، انسان در چارچوب رعایت قوانین الهی، مختار است آزادانه مسیر زندگی خویش را برگزیند. در این مسیر هیچ چیز نباید مانع بهره‌مندی انسان از گوهر

1. Declaration on the Right to Peace, 1 July 2016.

2. UN Human Rights Council Resolution 32/28, 1 July 2016.

ارزشمند آزادی شود. انسان باید آزاد باشد تا به کمال خود برسد؛ به عبارت دیگر آزادی ابزاری است که انسان در پرتو آن باید بتواند استعدادها و ظرفیت‌های خدادادی خود را شکوفا سازد و در مسیر تعالی و کمال گام بردارد؛ از این رو جز در پرتو آزادی این امر امکان‌پذیر نیست. از نگاه شهید مطهری، هر موجود زنده‌ای برای رشد و تکامل خود نیازمند سه امر است: تربیت، امنیت و آزادی. ایشان در بیان نیاز به آزادی معتقد است آزادی بدین معناست که دیگران مانعی در راه رشد و تکامل انسان ایجاد نکنند (مطهری، ۱۳۸۳، ج ۲۳، ص ۴۳۶).

بنابراین آزادی را باید حقی دانست که به موجب آن انسان بتواند استعدادها و توانایی‌های طبیعی و خدادادی خود را به کار اندازد؛ مشروط بر آنکه آسیب یا زیانی به دیگران وارد نسازد (هاشمی، ۱۳۹۲، ص ۲۱۱). از منظر اسلام آنچه با اراده و مشیت خداوند در تعارض است، محدود کردن آزادی محسوب می‌گردد؛ بنابراین از منظر اسلامی، آزادی و اراده انسان در طول اراده و مشیت خداوند است؛ بر این اساس انسان در چارچوب رعایت قوانین الهی، مختار است آزادانه مسیر زندگی خویش را انتخاب کند. در این مسیر هیچ چیز نباید مانع بهره‌مندی انسان از گوهر ارزشمند آزادی شود.

نظر به اهمیت و جایگاه والای نعمت مهم آزادی است که قرآن کریم، تلاش برای آزادی و رهایی انسان را به مثابه هدفی مهم در نقطه محوری و مرکزی حکمرانی اسلامی و رسالت انبیای الهیاز جمله پیامبر اسلام ﷺ قرار داده است و برداشتن غل و زنجیرهای بردگی و بندگی غیر خدا و هر مانع دیگری در مسیر کمال انسان را وظیفه حکمران جامعه اسلامی شمره شده است^۱ و بی‌تردید تحقق آزادی و دسترسی به این گوهر ارزشمند، در ظرف صلح و آرامش امکان‌پذیر است و جنگ، خشونت، درگیری و مخاصمه‌های مسلحانه به مثابه مانع و محدودیتی در برابر آزادی انسان خواهد بود؛ زیرا به طور طبیعی در محیط منازعه، آزادی‌های انسان محدود خواهد شد.

۱. «وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ» (اعراف، ۱۵۷).

نتیجه‌گیری

همه ملت‌ها و انسان‌ها، فارغ از عواملی همچون دین، نژاد، زبان و جنسیت و مانند آن، حق ذاتی زندگی در صلح دارند؛ بنابراین حق بر صلح، حق زندگی همه افراد و ملت‌ها در محیطی عاری از جنگ، تهدید و خشونت است که در آن همه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی قابل تحقق باشند. احترام به این حق، به نفع همه بشریت و شرط ضروری تعالی و تکامل مادی و معنوی ملت‌هاست و تحقق آن جز در پرتو حکمرانی مبتنی بر رویکرد حق‌محور به صلح امکان‌پذیر نمی‌باشد. تحقق این رویکرد در عرصه جهانی، می‌تواند آثار مثبتی بر جای بگذارد. رویکرد صلح‌محور در حکمرانی، تنها شانس زیست‌ایمن جامعه بین‌المللی در مقابل انبوه خطرهایی است که آن را تهدید می‌کند. نمی‌توان انکار کرد که با وجود جنگ‌ها، منازعات و توسعه تسلیحات کشتار جمعی و نیز مسابقه تسلیحاتی قدرت‌های بزرگ، امنیت به مخاطره خواهد افتاد. در مقابل، هرگونه پیشرفت در زمینه خلع سلاح و تحدید آن، به تحقق امنیت کمک خواهد کرد.

افزون‌براین، توسعه و پیشرفت نیز در فضایی مسالمت‌آمیز و به دور از جنگ و کشمکش شکل می‌گیرد. اصولاً جنگ و مخاصمه و درگیری، نابودکننده هرگونه توسعه و پیشرفت است. نقش حکمرانی مبتنی بر رویکرد صلح‌محور در تحقق توسعه و پیشرفت از آن جهت اهمیت دارد که در این رویکرد، سرمایه‌ها و منابعی که باید در راه پیشرفت و رفاه کشورها هزینه شود، صرف جنگ و منازعه نخواهد شد. هزینه‌های فراوان انسانی و اقتصادی که حاکمان برخی کشورها برای منازعه‌ها و مخاصمه‌های مسلحانه می‌کنند، باعث عقب‌ماندگی هرچه بیشتر و در نتیجه توسعه‌نیافتگی و پیشرفت آنها شده است.

ضمن اینکه حکمرانی مبتنی بر رویکرد حق‌محور به صلح، آثار مثبت دیگری در پی دارد که تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی بخشی از آن است. انسان تنها در یک فضای صلح‌آمیز و بدون مخاصمه خواهد توانست مسیر زندگی خویش را جهت‌نیل به

کمال مادی و معنوی با آزادی کامل تعیین و انتخاب کند و در پرتو این آزادی، استعدادهای خود را شکوفا سازد و به رشد شخصیت و تکامل و تعالی خود اقدام کند و تحقق این امور جز در فضایی بدون درگیری و خشونت و جنگ امکان پذیر نیست.

فهرست منابع

- * قرآن کریم.
- ** نهج البلاغه.
۱. ابن فارس، ا. (۱۴۱۴ق). معجم مقاییس اللغة. (ج ۳). قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
 ۲. ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق). لسان العرب. (ج ۲). بیروت: دارالفکر.
 ۳. آشوری، د. (۱۳۷۶). دانشنامه سیاسی. تهران: انتشارات مروارید.
 ۴. آقابخشی، ع؛ افشاری‌راد، م. (۱۳۸۶). فرهنگ علوم سیاسی. تهران: نشر چاپار.
 ۵. بیگزاده، ا. (۱۳۷۵). سازمان ملل متحد و محاکم کیفری بین‌المللی: تئوری و عمل. تحقیقات حقوقی، شماره ۱۸، صص ۳۹-۱۴۶.
 ۶. جوادی آملی، ع. (۱۳۸۵). تسنیم. (ج ۹-۱۰). قم: مرکز نشر اسراء.
 ۷. جوادی آملی، ع. (۱۳۸۸). اسلام و محیط زیست. قم: مرکز نشر اسراء.
 ۸. جوهری، ا. (۱۴۱۰ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة. (ج ۵). بیروت: دارالعلم للملایین.
 ۹. حیدری‌فرد، س. (۱۳۹۶). تحول مفهوم حکمرانی جهانی در روابط بین‌الملل. تحقیقات سیاسی بین‌المللی، شماره ۳۲، صص ۱۴۷-۱۷۶.
 ۱۰. خامنه‌ای، س.ع. (۱۳۸۵). مهادنه: قرارداد ترک مخاصمه و آتش‌بس. علوم سیاسی، شماره ۳۳، صص ۱۳-۵۸.
 ۱۱. دویچ، ک. و همکاران (۱۳۷۵). نظریه‌های روابط بین‌الملل (مترجم: و. بزرگی). تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
 ۱۲. دهخدا، ع.ا. (۱۳۷۳). لغت‌نامه دهخدا. (ج ۱، ۹). تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
 ۱۳. راغب اصفهانی، ح. (۱۴۱۶ق). مفردات الفاظ قرآن. بیروت - دمشق: دارالقلم - الدارالشامیه.

۱۴. زیما، ب. و همکاران (۱۳۹۴). شرح منشور سازمان ملل متحد (مترجمان: ه.ا. نژندی منش و همکاران). تهران: انتشارات خرسندی.
۱۵. طباطبایی مؤتمنی، م. (۱۳۹۴). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۶. طباطبایی، م.ح. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. (ج ۲، ۱۹). بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۱۷. طبرسی، ف. (۱۴۱۲ق). تفسیر جوامع الجامع. (ج ۲). قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه.
۱۸. طبرسی، ف. (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. (ج ۲، ۹). تهران: ناصر خسرو.
۱۹. طریحی، ف. (۱۴۱۶ق). مجمع البحرین. (ج ۲). تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
۲۰. علی‌بابایی، غ.ر. (۱۳۹۲). فرهنگ دیپلماسی و روابط بین‌الملل. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۲۱. فاضل لنکرانی، م.ج. (۱۳۹۲). تولید و استفاده از سلاح‌های کشتار جمعی از دیدگاه فقه اسلامی. حقوق اسلامی، شماره ۱۰ (۳۹)، صص ۷-۳۴.
۲۲. فیروزی، م. (۱۳۹۶). موانع و چالش‌های فراروی حق بر توسعه. اسلام و مطالعات اجتماعی، شماره ۱۹، صص ۶۹-۹۴.
۲۳. فیروزی، م. (۱۴۰۰). بررسی فقهی حق بر صلح با تأکید بر آیات قرآن کریم. فقه، شماره ۱۰۸، صص ۶۸-۹۷.
۲۴. قرشی، سید علی‌اکبر. (۱۳۷۷). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۵. کلینی، م. (۱۴۰۷ق). الکافی. (ج ۵). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۶. علامه حلی، ح. (۱۴۱۰ق). ارشاد الاذهان الی احکام الایمان. (ج ۱). قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
۲۷. علامه حلی، ح. (۱۴۱۴ق). تذکره الفقهاء (ج ۱۲). قم: مؤسسة آل‌البتیة.
۲۸. مطهری، م. (۱۳۸۳). مجموعه آثار. (ج ۲۳). تهران: انتشارات صدرا.
۲۹. معرفت، م.ه. (۱۴۲۹ق). التفسیر الأثری الجامع (ج ۶). قم: مؤسسة التمهید.

۳۰. معین، م. (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی (ج ۲). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۱. مکارم شیرازی، ن. و همکاران (۱۳۷۷). تفسیر نمونه (ج ۲، ۲۴). تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۲. منتسکیو، ش. (۱۳۴۹). روح القوانین (مترجم: ع.ا. مهتدی). تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۳. ورعی، س.ج. (۱۳۹۰). بررسی فقهی اصل در روابط خارجی دولت اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳۴. هاشمی، س.م. (۱۳۹۲). حقوق اساسی و ساختارهای سیاسی. تهران: نشر میزان.
35. Bantekas, I. (ed.). (2002). *Public International Law Statutes*, London: University of Westminster.
36. Declaration of the Rights of Man and of the Citizen, 26 August 1789. <http://www.hrcr.org/docs/frenchdec.html> [accessed 21 November 2020].
37. Declaration on the Preparation of Societies for Life in Peace, 15 December 1978. <http://www.un-documents.net/a33r73.htm> [accessed 15 July 2020].
38. Declaration on the Right to Development, 4 December 1986. <https://undocs.org/en/A/RES/41/128> [accessed 31 October 2020].
39. Declaration on the Right to Peace, 19 December 2016. <https://digitallibrary.un.org/record/858594?ln=en> [accessed 8 November 2020].
40. Declaration on the Use of Scientific and Technological Progress in the Interests of Peace and for the Benefit of Mankind, 10 November 1975. www.worldlii.org/int/other/UNGA/1975/19.pdf [accessed 18 July 2020].
41. Human Rights Council, Progress Report on the Right of Peoples to Peace, Prepared by the drafting group of the Advisory Committee on the Right of Peoples to Peace. https://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/AdvisoryCom/Session6/A.HRC.AC.6.CRP.3_en.pdf [accessed 25 November 2020].
42. Rosenau, J. & Czempiel, E.O. (ed.). (1992). *Governance Without Government: Order and Change in World Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
43. UN General Assembly Resolution 33/73, 15 December 1978. <http://www.un-documents.net/a33r73.htm> [accessed 15 July 2020].

44. UN General Assembly Resolution 3384 (XXX), 10 November 1975.
www.worldlii.org/int/other/UNGA/1975/19.pdf [accessed 18 July 2020].
45. UN General Assembly Resolution 39/11, 12 November 1984.
<https://digitallibrary.un.org/record/74608> [accessed 23 November 2020].
46. UN General Assembly Resolution 41/128, 4 December 1986.
<https://undocs.org/en/A/RES/41/128> [accessed 31 October 2020].
47. UN General Assembly, Resolution 69/176, 18 December 2014.
<https://undocs.org/en/A/RES/69/176> [accessed 17 August 2020].
48. UN General Assembly, Resolution 71/189, 19 December 2016.
<https://digitallibrary.un.org/record/858594?ln=en> [accessed 8 November 2020].
49. UN Human Rights Commission, Resolution 5/XXXII, 27 February 1976.
<https://www.refworld.org/docid/3b00f17f4c.html> [accessed 24 November 2020].
50. UN Human Rights Council Resolution 32/28, 1 July 2016. <https://daccess-ods.un.org/TMP/3810986.57846451.html> [accessed 29 November 2020].

References

* Holy Quran

** Nahj-al-Balagha

1. Ali Babaei, G. R. (1392 AP). *Diplomacy and International Relations Dictionary*. Tehran: Office of Political and International Studies. [In Persian]
2. Allama Hilli, H. (1410 AH). *Ershad al-Adhhan ila Ahkam al-Iman* (Vol. 1). Qom: Islamic Publishing Institute. [In Arabic]
3. Allama Hilli, H. (1414 AH). *Tazkirat al-Fuqaha* (Vol. 12). Qom: Aal al-Bayt. [In Arabic]
4. Aqabakhshi, A., & Afsharirad, M. (1386 AP). *Political Science Dictionary*. Tehran: Chapar. [In Persian]
5. Ashuri, D. (1376 AP). *Political Encyclopedia*. Tehran: Morvarid. [In Persian]
6. Bantekas, I. (Ed.). (2002). *Public International Law Statutes*. London: University of Westminster.
7. Beygzadeh, A. (1375 AP). United Nations and International Criminal Courts: Theory and Practice. *Legal Research*, 18, 39-146. [In Persian]
8. *Declaration of the Rights of Man and of the Citizen*, 26 August 1789. <http://www.hrcr.org/docs/frenchdec>
9. *Declaration on the Preparation of Societies for Life in Peace*, 15 December 1978. <http://www.un-documents.net/a33r73>
10. *Declaration on the Right to Development*, 4 December 1986. <https://undocs.org/en/A/RES/41/128>
11. *Declaration on the Right to Peace*, 19 December 2016. <https://digitallibrary.un.org/record/858594?ln=en>
12. *Declaration on the Use of Scientific and Technological Progress in the Interests of Peace and for the Benefit of Mankind*, 10 November 1975. www.worldlii.org/int/other/UNGA/1975/19.pdf
13. Dehkhoda, A. A. (1373 AP). *Dehkhoda Dictionary* (Vols. 9 & 1). Tehran: Tehran University Press and Printing Institute. [In Persian]

14. Deutsch, K., et al. (1375 AP). *Theories of International Relations* (V. Bozorgi, Trans.). Tehran: Jihad Daneshgahi Publications Institute. [In Persian]
15. Fazel Lankarani, M. J. (1392 AP). Production and Use of Weapons of Mass Slaughter from the Perspective of Islamic Jurisprudence. *Islamic Law*, 10(39), pp. 7-34. [In Persian]
16. Firouzi, M. (1396 AP). Obstacles and Challenges in the Face of the Right to Development. *Islam and Social Studies*, 19, pp. 69-94. [In Persian]
17. Firouzi, M. (1400 AP). A Jurisprudential Study of the Right to Peace with Emphasis on the Verses of the Holy Quran. *Fiqh*, 108, pp. 68-97. [In Persian]
18. Hashemi, S. M. (1392 AP). *Fundamental Rights and Political Structures*. Tehran: Mizan. [In Persian]
19. Heydari Fard, S. (1396 AP). The Transformation of the Concept of Global Governance in International Relations. *International Political Research*, 32, pp. 147-176. [In Persian]
20. *Human Rights Council, Progress Report on the Right of Peoples to Peace*, Prepared by the drafting group of the Advisory Committee on the Right of Peoples to Peace. https://www.ohchr.org/Documents/HRBodies/HRCouncil/AdvisoryCom/Session6/A.HRC.AC.6.CRP.3_en.pdf
21. Ibn Faris, A. (1414 AH). *Mu'jam Maqayis al-Lughah* (Vol. 3). Qom: Islamic Propagation Office Publications. [In Arabic]
22. Ibn Manzur, M. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (Vol. 2). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic]
23. Javadi Amoli, A. (1385 AP). *Tasnim* (Vols. 9 & 10). Qom: Asra. [In Persian]
24. Javadi Amoli, A. (1388 AP). *Islam and the Environment*. Qom: Asra. [In Persian]
25. Johari, A. (1410 AH). *Al-Sahah: Taj al-Lughah wa Sahah al-Arabiyyah* (Vol. 5). Beirut: Dar al-Ilm Lil-Malayin. [In Arabic]
26. Khamenei, S. A. (1385 AP). Muhadana: Treaty on Ceasefire and Cessation of Hostilities. *Political Sciences*, 33, pp. 13-58. [In Persian]

27. Kulayni, M. (1407 AH). *Al-Kafi* (Vol. 5). Tehran: Dar al-Kotob A-Islamiyah. [In Arabic]
28. Makarem Shirazi, N., et al. (1377 AP). *Tafsir Nemooneh* (Vols. 24 & 2). Tehran: Dar al-Kotob A-Islamiyah. [In Persian]
29. Ma'rifat, M. H. (1429 AH). *Al-Tafsir al-Athari al-Jami'* (Vol. 6). Qom: Al-Tamhid. [In Arabic]
30. Mo'in, M. (1375 AP). *Dictionary of Persian Language* (Vol. 2). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
31. Montesquieu, C. (1349 AP). *The Spirit of Laws* (A. Mohtadi, Trans.). Tehran: Amir Kabir. [In Persian]
32. Motahhari, M. (1383 AP). *Collection of Works* (Vol. 23). Tehran: Sadra. [In Persian]
33. Qarashi, S. A. A. (1377 AP). *Qamus al-Quran*. Tehran: Dar al-Kotob A-Islamiyah. [In Persian]
34. Raghیب Isfahani, H. (1416 AH). *Mufradat Alfaz al-Quran*. Beirut-Damascus: Dar al-Qalam- al-Dar al-Shamiyyah. [In Arabic]
35. Rosenau, J., & Czempiel, E. O. (1992). *Governance Without Government: Order and Change in World Politics*. Cambridge: Cambridge University Press.
36. Tabarsi, F. (1372 AP). *Majma' al-Bayan fi Tafsir al-Quran* (Vols. 2 & 9). Tehran: Naser Khosro. [In Arabic]
37. Tabarsi, F. (1412 AH). *Tafsir Jawami al-Jami* (Vol. 2). Qom: Seminary Management Center. [In Arabic]
38. Tabatabai Motameni, M. (1394 AP). *Public Freedoms and Human Rights*. Tehran: University of Tehran Publications. [In Persian]
39. Tabatabai, M. H. (1390 AH). *Al-Mizan fi Tafsir al-Quran* (Vols. 19 & 2). Beirut: Al-A'lami Foundation for Publications. [In Arabic]
40. Tarihi, F. (1416 AH). *Majma' al-Bahre'in* (Vol. 2). Tehran: Mortazavi Bookstore. [In Arabic]
41. *UN General Assembly Resolution 33/73*, 15 December 1978. <http://www.un-documents.net/a33r73.htm>

42. *UN General Assembly Resolution 3384 (XXX)*, 10 November 1975.
www.worldlii.org/int/other/UNGA/1975/19.pdf
43. *UN General Assembly Resolution 39/11*, 12 November 1984.
<https://digitallibrary.un.org/record/74608>
44. *UN General Assembly Resolution 41/128*, 4 December 1986.
<https://undocs.org/en/A/RES/41/128>
45. *UN General Assembly, Resolution 69/176*, 18 December 2014.
<https://undocs.org/en/A/RES/69/176>
46. *UN General Assembly, Resolution 71/189*, 19 December 2016.
<https://digitallibrary.un.org/record/858594?ln=en>
47. *UN Human Rights Commission, Resolution 5/XXXII*, 27 February 1976.
<https://www.refworld.org/docid/3b00f17f4c.html>
48. *UN Human Rights Council Resolution 32/28*, 1 July 2016. <https://daccess-ods.un.org/TMP/3810986.57846451.html>
49. Varaei, S. J. (1390 AP). *A Jurisprudential Study of the Principle in the Foreign Relations of the Islamic State*. Qom: Institute of Seminary and University Research. [In Persian]
50. Zima, B., et al. (1394 AP). *Explanation of the United Nations Charter* (H. A. Najandimanesh & et al, Trans.). Tehran: Khorsandi. [In Persian]